

چرا طبقه کارگر؟

سردبیر

الف) چرا طبقه کارگر عامل تغییر است؟ چرا این طبقه است که دگرگونی را برای جامعه حاصل می کند و علاوه بر اینکه خود را آزاد می کند دیگر انسان ها را هم آزاد می کند؟ چرا کارگر برای شرایط بهتر و مطلوب تر دست به چالش با شرایط نامطلوب موجود می زند؟

ب) برای پاسخ به این سوالات در ابتدا لازم است که شناختی اجمالی از طبقه کارگر داشته باشیم. متأسفانه همیشه تعاریف نادرست و نا کافی از این طبقه ارائه شده است که با واقعیت عینی واقعا موجود همخوانی ندارد. در کل اگر بخواهیم تعریفی اجمالی از کارگر بدهیم هر آن کس که برای ادامه ی حیات خود مجبور است که نیروی کار خود را بفروشد و هیچ سرمایه و ابزار تولیدی در دست ندارد را جز طبقه کارگر محاسبه می کنیم. در این تعریف از استاد دانشگاه گرفته تا کارگر کوره پزخانه از پزشک گرفته تا رفتگر قرار می گیرد. چون اینان تماما فاقد ابزار تولیدند و مجبور به فروش نیروی کار خویش!

ج) کار به عنوان تکامل یافته ترین شکل کنش زیستی انسان عامل تغییر است. انسان با کار خویش جهان اطراف خود را دگرگون می کند. اما زمانی که انسان این کار خود را در برابر مژدی ناچیز می فروشد. کارش از خودش بیگانه می شود یعنی باز هم او جهان را تغییر می دهد اما نه آنگونه که خود می پسندد. بلکه آنگونه که سیستم سرمایه داری می پسندد. نه در جهت خواست اکثریت بزرگ انسان ها بلکه در جهت منافع اقلیت کوچک سرمایه داران. این کار انباشته شده گذشته کارگر است که به صورت

سرمایه در می آید تا مناسبات کهنه و پوسیده و ناعادلانه این سیم را باز تولید کرده و تداوم بخشد. اینگونه است که کار او که باید برای تغییر و دگرگونی باشد موجب سکون می شود و همچون زنجیری بر پایش می افتد. چون او فاقد ابزار تولید است و زمانی می تواند کارش را در جهت میل خویش به کاربندد که ابزار تولید داشته باشد. مجبور نباشد در برابر مژدی ناچیز کارش را که پاره ای از وجودش است بفروشد.

د) بورژوازی مدرن بر خلاف ادعای دروغین عقلانیتش، بزرگترین افسانه پرداز تاریخ است. او به وسیله ی رسانه هایش و روشنفکرنا هایش اعلام می کند که تاریخ به پایان رسیده است. وضعیت کنونی انسانها سرنوشت محتومشان است و ما محکوم به زیستن در چنین شرایط نامطلوبی هستیم. فاصله طبقاتی امری است طبیعی، فقر اجتناب ناپذیر است، کار کودکان ضروری و ... او افسانه هایی را همچون رفاه و آزادی و ... را به خورد انسان ها می دهد، در حالی که میلیارد ها انسان اسیر چنگال های آن هستند. او جهان را زیبا و دلپذیر معرفی می کند و همه را دعوت می کند که بیشتر کار کنند، آن هم نه برای بهتر شدن وضع خویش بلکه برای بیشتر شدن سود بورژوازی و تداوم این سیستم پوسیده و کهنه ... اما نقد ما از درون به مناسبات بورژوازیست ما

منساء اول ماه

می

رزا لوگزامبورگ

ایده ی فرخنده بکار بردن یک جشن تعطیل پرولتاری بعنوان وسیله ای برای اکتساب هشت ساعت در روز نخست در استرالیا زاده شد. کارگران آنجا در ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات بعنوان تجلی موافق با هشت ساعت در روز سازماندهی کنند. روز این جشن باید ۲۱ آوریل می شد. در ابتدا، کارگران استرالیایی این را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر داشتند. ولی این نخستین جشن چنان اثر نیرومندی بر توده های پرولتاری استرالیا بخشید که بر آنان به جای گذارد منجر به تهیج [آژیتاسیون] نوعی گشت که تصمیم گرفته شد جشن را هر سال تکرار کنند. در حقیقت، چه می توانست به کارگران شهامت و ایمان بیشتری در قدرت خودشان بدهد تا یک توقف کار توده ای که آنها خودشان آنرا انتخاب کرده باشند؟ چه می توانست شهامت بیشتری به بردگان ابدی کارخانه ها و کارگاه ها بدهد تا فراخواندن گردانهای خودشان؟ پس ایده جشن پرولتاری بسرعت پذیرفته شد، و از استرالیا، آغاز به گسترش در دیگر کشورها کرده تا سرانجام تمام جهان پرولتاری را فتح کرد. نخستین نمونه ای که بدنبال کارگران استرالیایی رفتند، آمریکایی ها بودند. در سال ۱۸۸۶، آنها تصمیم



نه پيشا مدرنيم و نه پسا مدرن ما در عين حالي كه اعتراض داريم و خواهان تغيير اما مدرنيم ما از درون اين وضع به تغيير بنياني آن دست مي زنيم. بورژوازي اكنون ديگر تبديل به سنتي ارتجاعي شده و نياز به تغيير مدرن و پيشرو دارد.

ه) سرمايه داري از زماني كه به وجود آمد و تغيير بنياني در مناسبات توليدي و روابط مادي و اقتصادي انسان ها داد تمايا در پي آن بود كه سودش را بيشتر كند و در اين راه نه مرز مي شناسد نه جنس نه نژاد نه دين و نه..... بلکه تنها به فكر سرمايه است و تنها واژه مقدس براي او پول است. اگر مبارزات كارگران و ميليون ها كشته در اين راه نبود، سرمايه داري همچنان جام گسيخته به تركتازي خود ادامه مي داد. اين مبارزات كارگران و آزاديخواهان جهان بوده كه سرمايه داري را وادار به عقب نشيني كرده است. نه به اصطلاح عقلانيت و انعطاف پذيري آن. اگر نبود

فشارهاي كشيد. او كرده است ادامه د كار انسد و پوسيد زنجيرهايش شوند.

در اين روز ۲۰۰۰۰۰۰ نفر از آنها كارشان را ترك كرده و هشت ساعت در روز را طلب كردند. بعداً، تضيقات پليسي و قانوني كارگران را ساها در تكرر تظاهراتي با اينت [وسعت] مانع شد. معهذا در سال ۱۸۸۸ آنها تصميم خود را تحديد كرده و مصمم شدند كه جشن بعدي در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ باشد. در اين اثناء، جنبش كارگران در اروپا قويتر و با تحرك تر شده بود. قويترين نمود اين جنبش در كنگره كارگران انترناسيونال در ۱۸۸۹ رخ داد. در اين كنگره، كه چهارصد نماينده حضور داشتند، تصميم گرفته شد كه هشت ساعت در روز بايد نخستين مطالبه باشد. پس از آن، نماينده اتحاديه هاي فرانسه، كارگر لاوين از بوردو، خواست كه اين مطالبه در تمام كشورها با يك توقف جهاني كار ابراز شود. نماينده كارگران آمريكا توجه را به تصميم رفقايش براي اعتصاب در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ جلب كرد، و كنگره اين تاريخ را براي جشن جهاني پرولتاري برگزيد. در اين مورد، مانند سي سال پيش در استراليا، كارگران واقعاً فقط يك بار تظاهرات در نظر داشتند.

كنگره تصميم گرفت كه كارگران همي سرزمين ها با همديگر براي هشت ساعت در روز در اول [ماه] مه ۱۸۹۰ تظاهرات بكنند. هيچكس از تكرر تعطيل براي سال هاي بعد سخني نگفت. طبيعتاً هيچكس نمي توانست طريق برق آسايي را پيش بيني كند كه با آن ايده موفق شده و چه بسرعت از طرف طبقات كارگر پذيرفته خواهد شد. بنابر اين، جشن گرفتن روز اول [ماه] مه بسادگي يك بار كافي بود، تا اينكه هر كس بفهمد و حس كند كه روز اول [ماه] مه بايد يك نهاد سالانه و پيگير باشد... اولين [خواست اول ماه] مه پذيرش هشت ساعت در روز مطالبه كرد. ولي حتي پس از رسيدن به اين هدف، روز [اول ماه] مه از بين نخواهد رفت. تا زمانيكه مبارزه كارگر برضد بورژوازي و طبقه حاكم ادامه دارد، تا زمانيكه همه مطالبات پذيرفته نشده اند، روز [اول ماه] مه نموده سالانه اين مطالبات خواهد بود. و وقتي كه روزهاي بهتري سر زنند، وقتي كه طبقه كارگر جهان رستگاريش را بدست آورد- آنگاه هم بشريت احتمالاً روز [اول ماه] مه را به افتخار مبارزات تلخ و

تك برگ نسل سوم
ويژه نامه روز جهاني كارگر
 نشریه دانشجویان علوم اجتماعي و ارتباطات
 دانشگاه علامه
 مديرمسئول: عماد برقي
 سردبير: فواد شمس



سرود
انترناسيونال

برخيز اي داغ خورده
 دنياي فقر و بس جوشيده خاطر م برده
 به جنگ مرگ و ز بايد از ريشه بر كهنه جهان جور آنكه نوين جهان هيچ بودگان هر گردند
 روز قطعي جدال آخرين رزم م انترناسيونال اس انسان ها بر ما نبخشد ف شادي
 نه شه نه بت نه با دست خود گيريم در پيكارهاي بي تا ظلم از عالم ب نعمت خود آريم ب دميم آتش را ب تا وقتي آهن گرد روز قطعي جدال آخرين رزم م انترناسيونال اس انسان ها تنها ما توده ج اردوي بيشمار داريم حقوق جهانبد كه خوخواوران غ غرد وقتي رعد مر بر دژخيمان و ر در اين عالم ب سراسر
 تابد خورشيد نور روز قطعي جدال آخرين رزم م انترناسيونال اس انسانهاست.

سرودي كه اور يك ق مبارزه كارگران باشد